

افشاگری رسانه‌های آمریکا از یک افتضاح

ناتوی عربی علیه غزه

اخیراً روزنامه آمریکایی واشنگتن پست گزارشی تحقیقی را منتشر کرده که جزئیاتی از همکاری‌های امنیتی مخفیانه بین ۶ کشورعربی اردن، عربستان سعودی، مصر، بحرین، امارات متحده عربی و قطر را با اسرائیل افشا می‌سازد. این گزارش، با ادعای استناد به اسناد فاش‌شده ایالات متحده و منابع آگاه تشریح می‌کند که علی‌رغم محکومیت‌های تند عمومی رهبران این کشورها علیه اقدامات اسرائیل در غزه همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی عمیقی در پشت‌پرده جریان داشته است. آمریکا از طریق رسانه‌های خود در حال پیشبرد استراتژی گسترده‌ای برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل است؛ فرایندی که پس از جنگ غزه، نیازمند احیای مجدد است. ترامپ با ایده‌های آتش‌بس در غزه و کلیدزنی مجدد پیمان ابراهیم به دنبال بازسازی وجهه خود به‌عنوان صلح‌ساز جهانی و نگاه‌داشتن خود به‌عنوان گزینه جایزه نوبل صلح در ۲۰۲۶ است. در شرایطی که کشورهای منطقه تحت‌تأثیر فشار افکار عمومی از اعلام عادی‌سازی روابط با اسرائیل آبا دارند، آمریکا با انتشار جزئیات همکاری‌ها سعی دارد آن‌ها را در عمل انجام‌شده قرار داده و اعراب را وادار به اعلام علنی عادی‌سازی روابط با اسرائیل کند، حتی اگر این علنی‌سازی روابط به قیمت‌تقابل دولت‌های منطقه با مردم‌شان باشد.

بنیان‌های یک اتحاد نامرئی

یکی از کلیدی‌ترین جنبه‌های گزارش واشنگتن پست افشای وجود یک چهارچوب دفاعی مخفی به نام «سازمان امنیت منطقه‌ای» است. این مکانیسم که با هماهنگی مستقیم فرماندهی مرکزی ایالات متحده (CENTCOM) اداره می‌شود به‌عنوان شبکه‌ای پنهان برای تبادل اطلاعات، آموزش مشترک و هماهنگی عملیاتی عمل می‌کند. هدف رسمی آن، مقابله با ایران و تقویت روابط نظامی با اسرائیل معرفی شده اما لایه‌های عمیق‌تر آن، برهم‌زدن توازن قدرت در برابر جریان مقاومت را نشان می‌دهد تا جایی که حتی تمرین عملیات نظامی برای نابودی تونل‌های حماس در غزه نیز به بخشی از همین پروژه همکاری امنیتی تبدیل می‌شود. ادعاهایی که توسط واشنگتن پست و کنسرسیوم بین‌المللی روزنامه‌نگاران تحقیقی (ICIJ) منتشر شده تأکید می‌کنند دست‌کم ۶ کشور عربی در این چهارچوب مشارکت دارند. کویت و عمان نیز به‌عنوان شرکای بالقوه آینده ذکر شده‌اند که این امر نشان‌دهنده گسترش احتمالی این شبکه به سایر نقاط خلیج فارس است. تمامی جلسات این سازمان به‌عنوان «محرمانه» طبقه‌بندی شده‌اند و عکاسی یا تماس با رسانه‌ها به‌شدت ممنوع است، حتی جزئیاتی همچون مقررات غذایی مانند ممنوعیت مصرف گوشت خوک و صدف در گردهمایی‌ها برای رعایت پروتکل‌های غذایی در نظر گرفته شده‌ تا نمادی از تلاش برای همگرایی فرهنگی در دل یک اتحاد نظامی باشند. اطلاعات مربوط به این ابتکار حتی با اعضای اتحاد اطلاعاتی «پنج چشم» (ایالات

متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند) به اشتراک گذاشته شده که این امر بعد جهانی آن را برجسته می‌سازد. در واقع «سازمان امنیت منطقه‌ای» بیش از یک ائتلاف نظامی، یک پلنفرم است که جریان مقاومت را در یک چهارچوب واحد بین‌المللی هدف قرار می‌دهد. این چهارچوب، ریشه در سال‌های پیش از جنگ غزه دارد. رهبران عربی که در مجامع بین‌المللی اسرائیل را محکوم می‌کنند در این شبکه نقش فعالی ایفا کرده‌اند. در همین راستا عربستان سعودی، به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی، اطلاعاتی در مورد سوریه و یمن را با اسرائیل و همسایگان عرب خود به اشتراک گذاشته است.

از بحرین تا کنکتابکی

گزارش واشنگتن پست جزئیات دقیقی از نشست‌های امنیتی و تمرین‌های مشترک ارائه می‌دهد که طی سه سال گذشته در مکان‌های متنوعی برگزار شده‌اند. از پایگاه‌های بحرین و اردن گرفته تا پایگاه هوایی العدید در قطر و حتی فورث کمپبل در کنکتابکی آمریکا که افسران ارشد از اسرائیل، کشورهای عربی و ارتش آمریکا در آن‌ها گردهم آمده‌اند. این رویدادها که هدفش به طور رسمی «هماهنگی در زمان واقعی» عنوان شده در زمینه اطلاعات، اتصال راداری، ارتباطات سایبری و سیستم‌های دفاع موشکی طراحی شده تا عملاً تاکتیک‌هایی تمرین شوند که مستقیماً علیه ایران کاربرد دارند. یکی از جنبه‌های مهم این گزارش در مورد ایجاد کانال‌های مستقیم اطلاعاتی است. واشنگتن پست ادعا می‌کند دو کشور عربی که نامشان ذکر نشده اطلاعات را مستقیماً با یک اسداکدار نیروی هوایی ایالات متحده به اشتراک گذاشته‌اند. تمامی مشارکت‌کنندگان از یک پلنفرم چت امن رمزنگاری شده استفاده می‌کنند که مستقیماً به واشنگتن و پایتخت‌های متحد متصل است. از سال ۲۰۲۲، کشورهای مشارکت‌کننده داده‌های راداری و حسگرهای خود را با شبکه ایالات متحده ادغام کرده‌اند تا موشک‌ها و پهپادهای ایرانی را شناسایی کنند، اما این ادغام، تهدیدها را غزه را نیز پوشش می‌دهد. یکی از اسناد برجسته به تمریناتی اشاره دارد که بر شناسایی و تخریب تونل‌ها یعنی همان تاکتیکي – که به طور خاص توسط مقاومت در غزه استفاده می‌شود – متمرکز بوده است. این تمرین‌ها که در ماه سپتامبر در مصر برگزار شد شامل نیروهای ایالات متحده، اسرائیل، عربستان سعودی، اردن، مصر، یونان، هند، بریتانیا و قطر بود. در جلسه توجیهی دیگری، مقامات سعودی و آمریکایی درباره فعالیت‌های روسیه، ترکیه و کردها در سوریه و تهدیدها در یمن بحث کردند. این موارد اتحادی را نشان می‌دهد که نه‌تنها علیه ایران، بلکه علیه هرگونه تحرکی که توازن قدرت عربی – اسرائیلی را به چالش بکشد، طراحی شده است.

پشت‌پرده ابراز تأسف تانیا هو با تب حمله به قطر

در بستر پیمان ابراهیم که پس از جنگ غزه زمین‌خورده چنین ابتکارانی می‌تواند پلی به عادی‌سازی باشند. ترامپ تلاش می‌کند با استفاده از تواف

پکن رسماً محافظت از شرکت‌ها در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران را کلید زد

کشتی‌بان چین را سیاستی دگرآمد؟

و ایران فراتر از خرید نفت بوده و شامل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و عمرانی گسترده در ایران می‌شود. این روزنامه می‌نویسد چین طی دوده‌گ گذشته سرمایه‌گذاری‌های کلانی در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های حیاتی ایران انجام داده است و حجم این سرمایه‌گذاری‌ها بیش از ۲۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. پس از امضای توافق ۲۵ساله میان تهران و پکن در سال ۲۰۲۱، سرعت و گستردگی این همکاری‌ها افزایش یافته است. وال‌استریت ژورنال همچنین تأکید می‌کنسد همکاری‌های چین و ایران تنها جنبه اقتصادی ندارد؛ روابط سیاسی و استراتژیک نیز نقشی کلیدی دارند. رهبران دو کشور در نشست‌ها و رویدادهای بین‌المللی با یکدیگر هم‌نظر بوده و حضور آن‌ها در جمع گروهی از کشورها که از نگاه این روزنامه مخالف نظم جهانی تحت رهبری آمریکا هستند، نمایانگر ابعاد ژئوپلیتیک این روابط است. تحلیلگران مورد استناد وال‌استریت ژورنال معتقدند این همکاری‌ها، تهران را در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی مقاومت‌پذیر کرده و انعطاف قابل‌توجهی به سیاست خارجی ایران بخشیده است. به ادعای منابع این روزنامه، همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان چین و ایران حتی تحت‌فشارهای خارجی و تحریم‌های گسترده به شکل زیادی ادامه یافته و توسعه‌یافته است. این همکاری‌ها نه‌تنها بر تجارت نفت متمرکز است، بلکه شامل پروژه‌های عمرانی، توسعه زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های کلان نیز می‌شود و دو کشور را به شرکای استراتژیک در سطح منطقه و فراتر از آن تبدیل کرده است.

شرق پساماشه

همکاری چین با ایران و دیگر کشورهایی که تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفته‌اند چند پیامد دارد: اولاً مواجهه چین با تحریم‌های آمریکا چالشی جدی بر مشرووعیت ابزارهای فشار اقتصادی ایجاد می‌کند. چین و روسیه پیش از چکیده شدن ماشه علیه ایران، رسماً هشدار داده بودند که از این سازوکارهای تحریمی تبعیت نخواهند کرد. ثانیاً سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در پروژه‌های زیرساختی ایران، فراتر از بعد اقتصادی، یک پیوند استراتژیک پایدار ایجاد کرده است. این همکاری‌ها نه‌تنها توانایی ایران برای مقابله با فشارهای تحریمی را تقویت می‌کند، بلکه چین را به یک شریک راهبردی در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای تبدیل می‌کند. چنین تعاملاتی به تثبیت یک بلوک منطقه‌ای با ظرفیت انعطاف‌پذیری بالا در مواجهه با فشارهای خارجی کمک می‌کند و امکان پیشبرد اهداف توسعه‌ای و ژئوپلیتیک دو کشور را فراهم می‌آورد. به‌تازگی رسانه‌های آمریکایی، تلاش ایالات متحده برای بازگشت به پایگاه بگرام در افغانستان را برای تهدید ایران و چین می‌دانند و از ایجاد ائتلافی جدید در منطقه خبر می‌دهند. ثالثاً استمرار این روابط پیامدهای مهمی برای معادلات قدرت در منطقه دارد. باتوجه به وابستگی ایران به تجارت و سرسرمایه‌گذاری چین و هشدار کشورهای همسایه نسبت به تحریم‌های فرامرزی،

آتش‌بس در غزه، حمله اسرائیل به قطر را که می‌توانست تیر خلاص به پیمان ابراهیم باشد، خنثی کند. روابط در این اتحاد مخفیانه پس از حمله هوایی اسرائیل به دوحه که مقامات ارشد حماس را هدف قرار داد دچار تنش شد. این حمله کشورهای منطقه از جمله قطر را به‌عنوان مشارکت‌کننده مهم در تأمین مالی ساختار تهاجمی طراحی‌شده نسبت به ماهیت تهدیدآمیز و غیرقابل‌مهار اسرائیل آگاه کرد. ترامپ طی تماسی تلفنی از کاخ سفید به تانیا هو فشار آورد تا علز خواهی کند و قول تکرارنشدن بودن چنین اقدامی را بدهد. البته تانیا هو نیز در نهایت بدون علزخواهی صرفاً بابت کشته‌شدن یک مقام قطری ابراز تأسف کرد. آمریکا برای اینکه از پاسخگویی در مورد انفعال ابزارهای نظامی مستقر در قطر در برابر تهدیدهای اسرائیل طفره ببرد، مدعی شسد سیستم‌های راداری آمریکا هواپیماهای اسرائیلی را شناسایی نکردند، زیرا برای رصد تحرکات از مسیر ایران تنظیم‌شده بودند.

دلیل افشای رازهای مگوی اعراب چیست؟

فارغ از محتوای این گزارش واشنگتن پست، چرایی انتشار چنین افشاگری‌هایی آن‌هم توسط یک رسانه آمریکایی محل اہام است. سابقه دولت‌های غربی در اتخاذ رویکرد تفرقه‌افکنی ایسن ضرورت را ایجاد می‌کند که به هرگونه اظهارنظر و گزارشی که از سوی آن‌ها در مورد اقدامات کشورهای منطقه منتشر می‌شود با دیده تردید نگریست اما در صورت صحت بخش‌هایی از این گزارش در مورد همکاری‌های امنیتی کشورهای منطقه با اسرائیل که البته واقعیت جدیدی هم نیست، علت انتشار گزارش واشنگتن پست را می‌شود این‌گونه تشریح کرد که آمریکا از طریق رسانه‌های خود در حال مقدمه‌چینی برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل است، پس از جنگ غزه، طرح ابراهیم که با عناوین دیگری همچون مسیر همکاری اقتصادی آیمک پیش می‌رفت، متوقف ماند. جنایات اسرائیل فشار سیاسی ایجاد کرد و حمله به قطر تیر آخر بود. ترامپ برای احیای طرح و حفظ جایگاه خود به‌عنوان کاندیدای جایزه نوبل صلح با ایده آتش‌بس غرزه پیمان را مجدداً کلیدزده است. کشورهای عربی تحت‌تأثیر افکار عمومی عادی‌سازی را متوقف کردند اما از ۲۰۲۳ فشارها کمتر نشده و تداوم جنایات اسرائیل به تشدید واکنش‌های افکار عمومی دامن‌زده و اعراب را برای پرهیز از اعلام علنی هرگونه همکاری با اسرائیل تحت‌فشار بیشتری قرار داده است. اکنون رسانه‌های غربی با افشاگری همه چیز را علنی می‌کنند تا کشورهای منطقه را در عمل انجام‌شده قرار دهند. افشای همکاری‌های پنهان دلبلی برای طفره رفتن نمی‌گذارد و کشورها مجبور به تسریع روند علنی‌سازی و توجیه رسانه‌ای آن خواهند شد. آمریکایی‌ها رو به افشاگری آورده تا کشورهای عربی ناچار شوند از رویکرد پرهیز از اعلام عمومی عادی‌سازی دست برداشته و فعالیت‌های رسانه‌ای برای اقناع افکار عمومی را کلید بزنند. این تغییر رویکرد باعث می‌شود روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل تسریع شده و فشارهای سیاسی و اجتماعی جهان علیه تانیا هو و اسرائیل نیز تا حدی کاهش یابد.

شمخانی اظهارات دفتر روحانی دربارهٔ هواپیمای اوکراینی را تکذیب کرد

تاریخ علیه روحانی



دو جمعه در تاریخ ریاست جمهوری حسن روحانی خیلی معروف شده است. یکی جمعه ۲۴ آبان ۹۸ که در آغازین ساعات بامداد آن بزرین تک‌تارخی شد و برای چند روز، کشور با تجمعات اعتراضی و سپس با سوءاستفاده عناصر ضدانقلاب، با آشوب و اغتشاش مواجه شد. روحانی در آن وقایع مدعی شد که از افزایش قیمت بنزین در آن زمان خاص بی‌خبر بوده و صبح جمعه مطلع شده‌است. دیگری هم جمعه ۲۰ دی۹۸ که طبق روایت اعضای دفتر روحانی از نحوه باخبر شدن دولت از ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی در ۱۸ دی‌ماه، حسن روحانی تا آن جمعه یعنی سه روز پس از واقعه، از علت حقیقی سقوط هواپیمای مذکور بی‌خبر بوده‌ است. حالا روایتی از علی‌شمخانی منتشر شده‌که تصریح می‌کند همان‌روز اول سقوط هواپیما و پس از اطلاع از دلیل آن، رئیس‌جمهور حسن روحانی را از علت وقوع حادثه باخبر کرده‌ است. علی شمخانی در آن زمان، دبیر شورای عالی امنیت ملی بود.

علی شمخانی در گفت‌وگویی در برنامه اینترنتی «روایت جنگ» به بازخوانی نحوه اطلاع مسئولان از ماجرای سقوط هواپیمای اوکراینی و نیز اطلاع‌رسانی عمومی می‌پردازد. او می‌گوید که «بعد از وقوع حادثه هواپیمای اوکراینی، سردار شهید باقری (رئیس ستاد کل نیروهای مسلح) با من تماس گرفتند و من هم بلافاصله موضوع را به رئیس‌جمهور وقت، آقای روحانی اطلاع دادم.» باتوجه‌به آنکه در روایت‌های دولتی‌ها از آن روزها، ظریف به دلیل عدم اطلاع از موضوع، از مصاحبه پیرامون آن امتناع می‌کرد، این سؤال پیش می‌آید که پس چطور با وجود اطلاع شمخانی و روحانی، موضوع به ظریف گفته نشده؛ و شمخانی در توضیح این موضوع می‌گوید که «من به آقای روحانی گفتم و وظیفه‌ای نداشتم که این خبر را به آقای ظریف اعلام کنم.» در واقع رئیس‌جمهور باید اعضای دولت و از جمله وزیر خارجه را با خبر می‌کرده است.

شمخانی این توضیح را هم می‌دهد که «در آن مقطع، برخی معتقد بودند حادثه به دلیل جنگ الکترونیک آمریکا رخ داده‌ است؛ به همین دلیل سه روز برای اعلام رسمی نتیجه بررسی‌ها تأخیر داشتیم.» محمود واعظی، رئیس‌دفتر رئیس‌جمهور در دولت دوم روحانی، اردیبهشت ۱۴۰۳ روایتی را از آن روزها گفته که از جهت زمان مطلع شدن روحانی از علت سقوط، با روایت شمخانی تفاوت دارد. واعظی گفته بود که «سه روز پنهان کردن همان سه روزی بوده که آقای روحانی هم خبر نداشته‌ است. آقای روحانی خبر نداشت و لحظه‌ای که فهمید روز جمعه بود که ظهر در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی جلسه برگزار شد.» واعظی می‌گوید که ساعت دو و نیم روز جمعه از علت سقوط باخبر شده و بعد «بلافاصله به آقای روحانی زنگ زدم و گفتم این‌طور است؛ ایشان تا این موضوع را شنید گفت که سریعاً همین امروز (جمعه) جلسه بگذاریم.» یعنی نوع واکنش روحانی به تماس واعظی این بوده که از موضوع باخبر نیست، درحالی‌که شمخانی مدعی است همان روز حادثه موضوع را به روحانی گفته‌ است.

ادامه سخنان واعظی شرحی از ایستادگی قهرمانانه! حسن روحانی برای اطلاع‌رسانی سریع موضوع است که به نظر می‌رسد اکنون و با روایتی که شمخانی بیان کرده، همه آن شرح حماسی از اقدامات روحانی در آن مقطع زیر سؤال است و حتی این سؤال‌ها را ایجاد می‌کند که چرا روحانی درحالی‌که از موضوع باخبر بوده، ژست بی‌خبری و تازه‌مطلع‌شدن گرفته‌ است. البته هنوز واکنشی از روحانی و اطرافیان‌ش نسبت به روایت شمخانی نگرفته و نباید از نظر دور داشت که شاید آن‌ها توضیحات دیگری داشته باشند.

جمعه ۲۴ آبان ۹۸ هم‌روزی بود که وقایع بزرینی آبان ۹۸ کلید خورد و بعد از آن، حسن روحانی گفت که در جریان زمان دقیق افزایش قیمت بنزین نبوده و مسئولیت آن را به شورای امنیت کشور سپرده بوده و در مورد ۲۴ آبان ۹۸ می‌گوید که «فکر نمی‌کردم که آن هفته بخواهند اجرا کنند. گفتم اگر بخواهند اجرا کنند لااقل به من زنگ می‌زنند و اطلاع می‌دهند. البته آقای رحمانی فضل‌ی می‌گوید که ما زنگ زدم به آقای واعظی، ایشان نبود. آقای واعظی هم می‌گوید کسی با من تماس نگرفت. ساعت ۱۰ یا ۱۰:۳۰ بامداد جمعه بیدار شدم، تلویزیون را روشن کردم دیدم دو نفر دارند در شبکه خبر با هم صحبت می‌کنند، زیرنویس را هم نگاه کردم دیدم هیچ خبری نیست. گفتم پس این هفته انجام نشده‌ است. صبح که بیدار شدم نماز صبح بخوانم دیدم زیرنویس کرده که بزرین دیشب گران شده‌ است. برای من عجیب بود، چون اختیار داده بودم به شورای امنیت کشور. برام این عجیب بود که چرا شب به من نگفتند. پس اینکه من می‌گویم صبح متوجه شدم، راست و دقیق است. واقعیت این است که من صبح جمعه مطلع شدم.»

اولین اعتراضات بنزینی از قضا در همان ساعات آغازین اجرای طرح بود؛ وقتی مردم در خیابان و جاده به پمپ‌بنزین‌ها مراجعه کرده و ناگاه ناباورانه دریافتند سه‌برابر مبلغ همیشه باید هزینه‌کنند و کارگران پمپ‌بنزین‌ها که با اعتراض کلامی مردم مواجه شده‌اند، به جای دولت برای مردم توضیح می‌دادند که چه اتفاقی افتاده‌ است. آن‌هایی هم که در منزل بودند، از طریق فضای مجازی متوجه موضوع شدند بودند، اما رئیس‌جمهور کشور منتظر زیرنویس شبکه خبر بوده تا ببیند طرح اجرا شده یا خیر

و در نهایت هم صبح جمعه از زیرنویس شبکه خبر از موضوع با خبر می‌شود! به نظر می‌رسد هر تحلیلی دیگری اضافه باشد. از بی‌خبری‌های رئیس‌جمهور بنویسیم یا نحوه تعامل عجیب وزرای دولت با رئیس‌جمهور که علاوه بر موارد بالا، در موضوع استعفاي ظریف سر سفر بنشار اسد یا اذعان برخی وزرای روحانی به اینکه نمی‌توانند از رئیس‌جمهور وقت ملاقات بگیرند هم رخ نمود؟ یا کوتاه‌های‌های رئیس‌دفتر روحانی که فضای تعاملی را این‌گونه آشفته می‌کرد یا از کل ۸ ساله‌ی که کشور به همین شکل عجیب‌و‌غریب اداره می‌شد و ابایی هم از بیانش نداشتند؟ در واقع هر بار روایتی مرتبط با دولت روحانی بیرون می‌آید، سر بسیاری از زخم‌های کهنه‌گشوده می‌شود!

